

دانش اصول فقہ، نیازمند ارتقا و توسعه همه‌جانبه است

سخنرانی آیت‌الله صادق آملی لاریجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

در آیین رونمایی از نرم‌افزار «جامع اصول فقہ - نسخه ۳»



به کوشش: هیئت تحریریه فصلنامه ره‌آورد نور

اشاره

سخنران ویژه آیین رونمایی از نسخه جدید نرم‌افزار «جامع اصول فقه»، حضرت آیت‌الله صادق آملی لاریجانی، رئیس محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام بود که بعد از سخنان معاون پژوهش مرکز نور و خوشامدگویی ریاست مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، به ایراد سخن پرداخت. ایشان ضمن تقدیر از تولیدات مفید مرکز نور و تسهیل کارهای پژوهشی، بر اهمیت توسعه و ارتقای دانش اصول فقه با استفاده از ابزارهای فناورانه تأکید نمود.

در این نوشتار، متن کامل فرمایش ایشان، با اندکی ویرایش به همراه تیتربندی مطالب، تقدیم خوانندگان عزیز می‌گردد.

کارهای مرکز نور، بسیار فاخر است

«الحمد لله رب العالمین، والصلاة والسلام علی محمد وآله الطاهیرین. خوشامد عرض می‌کنم خدمت همه عزیزانی که در این جلسه حضور دارند؛ روحانیون معظم، استادان گرامی، علما، فضلا. و تشکر می‌کنم از ریاست مرکز، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای بهرامی که این فرصت را فراهم آوردند.

البته بارها قصد داشتم برای تشکر، در چنین جلسه‌ای حضور پیدا کنم و متأسفانه، میسر نمی‌شد. در واقع، اصل حضور امروز بنده، برای تقدیر و تشکر از زحمات عزیزانی است که در طول سال‌ها برای تولید نرم‌افزارهای متعدد و بسیار مفید تلاش کرده‌اند. سپاسگزارم از همه کسانی که در این مسیر، گامی برداشتند.

واقعیت، این است که نوشتن یک کتاب، به یک معنایی، کار فردی است؛ حال، ممکن است در طبعش عده‌ای کمک کنند؛ اما تولید یک کتاب، محدود است؛ اما نرم‌افزارهایی این چنینی، کار جمعی می‌طلبد. عده‌ای از افراد متخصص، افراد فاضل، صاحب علم، افرادی که در حیث کار خودشان، یعنی در تولید نرم‌افزار تخصص دارند، حتی کسانی که تایپ می‌کنند، همگی قدم برداشته‌اند تا یک مجموعه کار این چنینی و نرم‌افزارهای مشابه آن پدید آید.

کارهای این مرکز، انصافاً بسیار فاخر است. ما نرم‌افزارهای تولیدشده دیگری هم در جهان اسلام می‌بینیم؛ ولی تا آنجایی که من مطلعم، این امکانات را ندارد؛ دسترسی‌هایش هم به این سهولت نیست و کار عظیمی که اینجا صورت گرفته، واقعاً باید گفت هر قدمی که برایش برداشته‌اند، بسیار مفید و پرتأثیر است.

امروز، حوزه‌های علمیه با نیازها و انتظارات بسیاری در ساحت‌های مختلف مواجه‌اند. امروزه، نسل جوان و غیرجوان ما، پرسش‌های فراوانی دارند. پرسش‌ها دیگر طوری نیست که ما یک رساله عملیه در اختیارشان بگذاریم و بگوییم این را بردارید و عمل کنید. پرسش‌ها، خیلی وقت‌ها اساسی‌ترند و از اصل هستی، هدف هستی، معنای زندگی و وجود شرور سؤال دارند؛ تا برسد به بحث‌های اخلاقی و عملی.

حوزه‌های علمیه باید پاسخگو باشند؛ پاسخگویی نیز ابزار می‌خواهد؛ علاوه بر اینکه عالمی که می‌خواهد استنباط و فکر کند، ابزار کار هم نیاز دارد. نرم‌افزارهایی که در این مرکز تولید شده، در قالب‌های مختلف، مثل: جامع فقه، جامع تفاسیر، جامع اصول فقه و کتابخانه‌های اشخاص، اینها واقعاً امکانات فوق‌العاده مهمی را در اختیار شخص قرار می‌دهند.

به نظرم، امروزه جست‌وجو، معنای دیگری پیدا کرده است. بارها خدمت دوستان عرض کرده‌ام؛ زمانی حتی مراجع بزرگوار ما می‌خواستند یک مسئله فقهی را بحث کنند و نظر بدهند، چند تا کتاب محدود داشتند که به آنها مراجعه می‌کردند؛ به یک معنایی، وسع ایشان در آن زمان، همین مقدار بوده است؛ اما الآن انصافاً با وجود این نرم‌افزارها، امکانات وسیع و امکان تتبع و جست‌وجوی فراوان شده است و نمی‌شود گفت ما چند کتاب فقهی مثل: جواهر، مستمسک یا مستند مرحوم آقای خویی و یا چند کتاب دیگر را جلوی خود بگذاریم و بگوییم به همین اکتفا می‌کنیم؛ به‌خصوص مثل علم فقه ما؛ چون علمی است که نیاز به فحص دارد و در بحث تشخیص اجماعات و شهرت‌ها، ما نیاز داریم که فحص و تتبع کنیم. بنده نمی‌گویم شما ۲۰۰ سال قبل را مقایسه کنید؛ شما گاهی در کتاب‌های علمای بزرگ، مثل مرحوم شیخ انصاری و دیگران، می‌بینید کتاب‌هایی که امروز در دست ما و خیلی از روحانیون هست، آن موقع در دسترس نبود؛ چنان‌که آن بزرگوار می‌فرمود: الآن این کتاب در نزد حاضر نیست تا فحص کنم و ببینم فلان مطلب در آن هست یا نه.

این، مال ۲۰۰ سال قبل است؛ اما زمان خود ما، در اوایل جوانی ما هم همین‌طور بود. من یادم هست سال ۵۷ یا ۵۸، از قم به تهران رفتم تا چاپ سنگی قدیمی کتاب ریاض را تهیه کنم. چقدر وقت گذاشتیم و جست‌وجو کردیم و دو جلد کتاب ریاض را پیدا کردیم؛ انگار که دنیا را به ما دادند و همین‌طور، برخی کتاب‌های دیگر؛ آن هم طبع‌های سنگی؛ ولی امروزه، هزاران کتاب فقهی، آماده در دست شماست؛ به همراه قابلیت جست‌وجو.

این، مهم‌ترین قسمت آن است و واقعاً امکاناتی است که این مؤسسه آنها را فراهم آورده است. باید تشکر کنیم از همه کسانی که از ابتدای تأسیس این مرکز، در توسعه و بالندگی آن کمک کرده‌اند؛ همه مسئولان و کسانی که در مرکز نور کاری نموده‌اند. گاهی انسان می‌بیند افرادی بی‌توقع و بی‌انتظار را که قدم برداشته‌اند. من برخی از کسانی را که کار کرده‌اند، می‌شناسم. واقعاً انسان‌های فاضل، اهل فکر، اهل تلاش و بدون دغدغه‌های مالی امروزی، خالصانه کار کرده‌اند تا چنین مرکزی پا بگیرد و بتواند امکانات بسیاری را در اختیار پژوهشگران قرار بدهد.»



ابزارهای اصولی، نیازمند توسعه و ارتقااست

«ما امروز در واقع، بر خوان عظیمی از کتاب‌ها، آثار و امکانات جست‌وجویی قرار گرفته‌ایم که می‌توانیم استفاده کنیم. اینجا جناب آقای راشدی‌نیا که انصافاً هم خودش اهل فضل است و هم پیگیر و دقیق است، ایشان فرمودند که ما در این نرم‌افزار جدید، بابتی باز کرده‌ایم برای اینکه عناوینی را که گاهی مورد نیاز دوستان است، ولی جایگاه خاصی ندارند، آنها را عنوان زده‌ایم تا این عنوان را فحص کنیم و مواردی از این دست را در کتاب‌ها پیدا کنیم. این، مطلب مهمی است. تجربه خودم در بحث فلسفه علم اصول، این بود؛ تقریباً از سال ۷۸ تا ۸۸، به مدت ۱۰ سال در بحث خارج، این بحث را دنبال می‌کردم.

اصل این فکر، برای آن بود که ما موضوعاتی را که در علم اصول، مبدأ برای بحث‌های دیگر است، جدا کنیم. این علم اصولی که فعلاً هست، مخلوطی است از بحث‌هایی که عنوان علم اصول به معنای قواعد ممهده برای استنباط حکم شرعی بر آن تطبیق می‌کند و برخی بحث‌ها که مصداق این نیست؛ بلکه مبدأ و مقدمه‌ای است برای وصول به اینها؛ مثلاً اکثر بحث‌های الفاظ، از این قسم است. مرحوم آخوند (اعلی‌الله مقامه) در کفایه به عنوان مقدمه، اینها را آورده است؛ قدیمی‌ها هم می‌آوردند؛ حتی کتاب‌های قدیمی‌تر گاهی دقیق‌تر بودند و آنها را به عنوان مبادی لغوی و حکمی می‌آوردند. متأسفانه، در حال حاضر به این شکل نیست.

در کار فلسفه علم اصول، نه فقط این دو تا مبدأ، بلکه کل آنچه را حالت مبدایی دارد، تلاش می‌کردیم جدا کنیم؛ مثلاً یکی از آنها، بحث ماهیت حکم بود و از عجایب است که از اول تا به آخر اصول، با حکم کار داریم؛ ولی بحث مستقلی راجع به ماهیت حکم نکرده‌اند؛ در حالی که در مواضع مختلف به آن نیازمندیم؛ مثل بحث: ضد، مدلول امر، اجتماع امر و نهي، علم اجمالی، قطع و ظن، بحث استصحاب و جاهای دیگر، به ماهیت حکم کار داریم؛ ولی متأسفانه، در این باره بحث خوبی به شکل یکجا نشده است؛ مثلاً ببینید در خروج ابتلاء، در بحث علم اجمالی، وارد بحث ماهیت حکم تکلیفی می‌شویم. اگر کسی در خصوص این بحث‌ها حضور ذهن نداشته باشد، در خصوص خروج از ابتلاء، چه فکری می‌کند؟ چون بحث، مستقل نشده، یکی - دو قدم جلو می‌روند و رهاش می‌کنند؛ زیرا جای مطرح کردن آن، اینجا نیست. اگر بخواهند در بحث خروج از ابتلاء، راجع به ماهیت حکم بحث کنند، چقدر می‌توانند بحث کنند؟

ما در فلسفه علم اصول، می‌خواستیم اینها را از هم جدا کنیم و یک جا بحث مستقل شود و هر وقت نیاز هست، بگویند فلان قسمت، فلسفه علم اصول بحث شده است. برای یافتن اینها، گاهی برخی مطالب در ذهن خود آدم هست که در اثر تجربه و ممارست به دست آمده و سراغش می‌رود؛ مثلاً فرض کنیم، می‌دانیم در استصحاب، راجع به حکم وضعی بحث کرده‌اند. در یکی از تقسیمات استصحاب - که آیا در احکام وضعی جاری است یا احکام تکلیفی؟ - وارد بحث حکم وضعی می‌شوند؛ یعنی به لحاظ ساختاری، اصلاً ساختار خوبی نیست. خب، اینها یادمان بود و ما سراغشان رفتیم؛ اما بقیه موارد را چکار کنیم؟

به خاطر دارم، گاهی بحث حکم وضعی بوده یا مشابهاش، گاهی با همین جست‌وجوها در نرم‌افزارهای قدیمی - حتی وقتی نسخه دوم نرم‌افزار هنوز تولید نشده بود - ۵۰۰ مورد را لفظاً می‌گشتیم؛ تا جایی را که نیاز داریم، از داخل اینها پیدا کنیم. البته خیلی از اینها شاید به کار نمی‌آمد؛ چراکه جست‌وجو به صورت لفظی بوده است؛ ولی در حال حاضر، کاری که در نسخه سوم نرم‌افزار عرضه شده، خیلی کمک‌کار است. بنده هنوز با این نسخه سوم ممارست ندارم و آنسی

حوزه‌های علمیه باید پاسخگو باشند؛ پاسخگویی نیز ابزار می‌خواهد؛ علاوه بر اینکه عالمی که می‌خواهد استنباط و فکر کند، ابزار کار هم نیاز دارد. نرم‌افزارهایی که در این مرکز تولید شده، در قالب‌های مختلف، مثل: جامع فقه، جامع تفاسیر، جامع اصول فقه و کتابخانه‌های اشخاص، اینها واقعاً امکانات فوق‌العاده مهمی را در اختیار شخص قرار می‌دهند

نگرفته‌ام؛ ولی این طور که دوستان فرمودند، برخی از عناوین مهم را استخراج کرده‌اند و این، خیلی مهم است. این شاخه‌شاخه کردن مباحث، خیلی کار مهمی است و بسیاری از وقت محققان را صرفه‌جویی می‌کند. به نظر من، برای کسانی که اهل فحص، تتبع و فکر هستند، اینها یک آمادگی بسیار خوبی فراهم کرده است.

نکته‌ای را راجع به علم اصول عرض کنم که برخی اوقات، برخی گلايه می‌کنند این علم اصول، تورم دارد و البته به نظر من خیلی از اشکال‌ها، قابل جواب است؛ مثلاً در فلان موضوع، می‌گویند معنای حرفی بی‌فایده هست؛ درحالی‌که این سخن، غلط است. ممکن است گاهی اوقات در فقه استفاده نداشته باشد، چون معنای حرفی، بحث مسئله اصولی نیست؛ بلکه مبدأ مسئله اصولی است. به اصطلاح ما، فلسفه علم اصول است. نباید در فقه نتیجه داشته باشد؛ باید در اصول نتیجه داشته باشد که دارد.

مرحوم شیخ انصاری، در موضوع واجب مشروط، بحث بسیار مهمی دارد که شاید در ادامه بدان اشاره کنم. در واقع، قید به ماده می‌خورد، نه به هیئت. یکی از دلایل ایشان، همین است که معنای حرفی، قابل تضییق نیست. خب، چه کسی می‌گوید که قابل تضییق نیست؟ باید در معنای حرفی بحث کنیم که معنای حرفی، قابل تضییق هست یا نه. مقصودم این است که بسیاری از اشکال‌هایی که به توسعه علم اصول شده، قابل جواب است.

منتها یک نکته مهم‌تری وجود دارد که باید در نظر داشت؛ خیلی از اشکالات، به علم اصول بر نمی‌خورد؛ بلکه به نحوه کار ما در حوزه علمیه بر می‌گردد. اصلاً چه کسی گفته همه طلاب باید این علم اصول را بخوانند؟ مثل این می‌ماند که همه کشور را مشغول خواندن طب کنیم. بعد بگوییم این چه طب بیخودی هست که همه را گرفتار کرده؟ طب، مشکل ندارد. نباید برنامه‌ریزی به نحوی باشد که همه موظف به خواندن طب شوند. در علم اصول نیز همین است. در فقه هم همین است. باید تقسیم‌بندی و تقسیم کار معقولی در حوزه علمیه صورت بگیرد؛ کسانی که می‌خواهند برای اجتهاد نهایی کار کنند، یک جور علم اصول را کار کنند و آنهایی که می‌خواهند روایات را بخوانند، گونه دیگری اصول را فرا بگیرند.

چه بسا، ما اصول را باید از یک جهت دیگر نیز توسعه دهیم. امروز، ادعای ما این است که باید علوم

انسانی اسلامی تولید کنیم. خب، با چه ابزاری می‌خواهیم تولید کنیم؟ ما اگر بخواهیم از متون کتاب و سنت استفاده کنیم، آیا همین ابزار اصولی فعلی ما کفایت می‌کند؟ یا اینکه تکمیل می‌خواهد؟ یا مقدمات دیگری باید ضمیمه شود؟ اصلاً در باب حقایق، آیا مثلاً خبر واحد یا ظهورات که جزء امارات هستند، اینها حجیت دارند؟ آیا اینها در امور تکوینی حجیت دارند؛ به همان معنایی که در باب امور عملی حجیت دارند؟ اگر در خبر واحد بیاید که صلات جمعه واجب است، این حجیت و اعتبارش یا به جعل منجزیت است یا فرض کنیم به جعل علمیت است یا فرض کنیم وسطیت در اثبات است و یا هرچه در باب حجیت گفتیم؛ ولی نتیجه‌اش، عمل است. در باب حقایق نیز حجیت اخبار و ظهورات و امثال این، از همین قسم است. یا اینکه کار دیگری نیاز است انجام دهیم؟ مقصودم این است که ما حتی ممکن است بگوییم اگر بخواهیم از معارف کتاب و سنت در راستای علوم اجتماعی و علوم انسانی استفاده کنیم، علی‌القاعده باید یک منطق و مقدمات دیگری به این اصول فقه خودمان ضمیمه کنیم.

بنابراین، نباید از توسعه علم اصول بهر اسبیم؛ بلکه باید برنامه‌ریزی و نحوه کار در حوزه، مشخص شود و تقسیم کار صورت گیرد. چه لزومی دارد همه طلاب علم اصول را به شکل موسّع بخوانند؛ چنان که در فقه هم همین است. اگر کسی برنامه‌اش این است که کار تبلیغی انجام دهد، آیا واقعاً لازم است که مکاسب شیخ انصاری را به آن دقت بخواند و بعد هم بیاید در درس خارج، مثلاً بحث صلات را ۱۵ سال بخواند؟

بنده درس صلات را از بحث اذان تا خلل، خدمت مرحوم والد بودم که ۹ سال طول کشید؛ یعنی نه از اولش بودیم و نه تا آخرش که ۹ سال طول کشید. احتمالاً اگر کلش تمام می‌شد، ۱۵ سال یا بیشتر طول می‌کشید. برخی از مراجع عظام، مثلاً بحث بیع و خیارانشان شاید نزدیک به ۱۷ یا ۱۸ سال طول کشیده است. علی‌القاعده، راه درست هم برای اجتهاد، همین است. بنده این بحث را برای انتقاد بیان نکردم؛ اصلاً راه، همین است که دائماً حرف روی حرف می‌آید و اگر بخواهد حرف عمق و دقت پیدا کند، توسعه پیدا می‌کند. این، طریقه معمول در همه علوم است.



عرض من این است که باید برای تقسیم کار، چاره‌ای کنیم. نه فقط علم اصول که برای خود فقه هم باید تقسیم کار کنیم؛ یعنی برخی بزرگان، تخصصشان در عبادات، برخی در معاملات و یا بعضی در معاملات خاص مثل قضا باشد؛ به خصوص امروزه که ما کارهای زیاد داریم. فروعاً بسیاری داریم که هنوز تنقیح نشده‌اند؛ به‌ویژه در زمان ما که نظام جمهوری اسلامی، نیازمند استنباطاتی است که در مقام اجرا، به درد بخورد و قابلیت اجرا داشته باشد؛ مثلاً در بحث قضا، فروعاً بسیاری هست که هنوز حل نشده و اجرای آن، مشکل است. در معاملات نیز همین طور است و در عبادات نیز به گونه دیگری است. بنابراین، اشکال کار، در توسعه این علوم نیست.

استطرداً عرض کردم که این نرم‌افزارها، به توسعه علوم کمک می‌کند که هیچ اشکالی هم ندارد. یک وقتی در ذهن نیاید که ما چرا بعضی از علوم را گسترش می‌دهیم؟ علوم باید گسترش پیدا کنند و نیازهای فراوانی را که ما داریم، برآورده کنند. پژوهشگران ما موظف‌اند برای پاسخگویی به نسل جوان با این همه سؤالات، کارهای جدید انجام دهند و این از طریق همین پژوهش‌ها صورت می‌گیرد و این نرم‌افزارها، کمک فراوانی به سهولت و تدقیق و تعمیق این پژوهش‌ها می‌کنند.

معرفی و عرضه گسترده علم اصول

نکته دیگری را که در علم اصول جنبه عرضی است، عرض می‌کنم؛ چون این نرم‌افزار در مورد علم اصول است، این نکته را عرض می‌نمایم. اصل علم اصول در حوزه‌های علمیه، به عنوان مقدمه فقه است. این، کار اصلی علم اصول است و برای استنباط احکام کلی فقهی است؛ اما واقعه این است که علمای ما در طول زمان با همه مشکلات و کاستی‌هایی که در مقام عمل داشتند، کارهای فاخری تولید کرده‌اند. امروزه، بنده به طور قطع چون مطلع هستم، به شما عرض می‌کنم علم اصول ما، قابل عرضه به بیرون از حوزه و حتی به خارج از کشور است.

ما نباید از این خوان نعمت گسترده، غفلت کنیم؛ حیف نیست؟ مثلاً علمای بزرگی در طول زمان، کارهای فاخری در اصول ایجاد کرده باشند و ما بگوییم چون این خیلی وسیع است، رهاش کنیم؛ نه! من الآن عرض می‌کنم که در قسمت زبان و مباحث الفاظ اصول فقه، بسیار حرف‌های قابل

باید تشکر کنیم از همه کسانی که از ابتدای تأسیس این مرکز، در توسعه و بالندگی آن کمک کرده‌اند؛ همه مسئولان و کسانی که در مرکز نور کاری نموده‌اند. گاهی انسان می‌بیند افرادی بی‌توقع و بی‌انتظار را که قدم برداشته‌اند. من برخی از کسانی را که کار کرده‌اند، می‌شناسم. واقعاً انسان‌های فاضل، اهل فکر، اهل تلاش و بدون دغدغه‌های مالی امروزی، خالصانه کار کرده‌اند تا چنین مرکزی پا بگیرد و بتواند امکانات بسیاری را در اختیار پژوهشگران قرار بدهد

توجهی داریم که با فیلسوفان غربی که فقط کارشان همین بوده، قابل قیاس و عرضه است. فرق علمای ما با آنها، خیلی زیاد است. آنجا یک فیلسوفی است که اصلاً کارش، تفحص در مباحث الفاظ است؛ حتی بعضی به مباحث اخص پرداخته‌اند. من در بحث واجب مشروط کار می‌کردم؛ دیدم برخی از آنها، سال‌های مدید از عمرشان را در تبیین، فهم و تفسیر جملات شرطی و الزامات شرطی گذرانده‌اند؛ اما در میان علمای ما، امثال شیخ انصاری (اعلی‌الله‌المقامه) و دیگران، در کنار صدها مسئله اصولی و هزاران مسئله فقهی، یک مسئله‌شان بحث واجب مشروط بوده است؛ باوجوداین، کارهای عمیقی تولید کرده‌اند. ما نباید غفلت کنیم. من به شما عرض می‌کنم که در بحث الزامات، یعنی بحث وجوب، واقعاً کار استادان ما در علم اصول، قابل عرضه به دنیاست. حیث نیست ما این سفره گسترده را رها کنیم؟

مقصودم این است، دوستانی که در این مرکز کوشش نموده‌اند، تلاش بسیار مفیدی کرده‌اند و امیدوارم خداوند تبارک تعالی به همه عزیزان برای هر قدمی که برای تولید این نرم‌افزارها برداشته‌اند، اجر مضاعف بدهد و تولید مشابه این نرم‌افزارها در بحث‌های: فقهی، تفسیری، تاریخی، رجالی، کتابخانه‌های اشخاص خاص، همه اینها، بسیار اثرگذار بوده است.»

پیشنهاد: آسان‌سازی دسترسی و توسعه محصولات نور

«من دو درخواست از دوستان دارم؛ یکی، مربوط به وضع حوزه است. بالأخره روحانیونی که با این نرم‌افزارها کار می‌کنند، اغلبشان وضع مالی خوبی ندارند و ما هرچه می‌توانیم، باید استفاده از این محصولات را تسهیل کنیم. بنده زمانی هم خدمت آقای دکتر شهریاری و هم خدمت آقای بهرامی و هیئت امنا عرض می‌کردم که تا می‌توانیم، این نرم‌افزارها را مجانی یا با قیمت خیلی پایین در اختیار روحانیون قرار دهیم که استفاده کنند. هم دعای خیرش برای شماست و هم اینکه از فروش این نرم‌افزارها، چیز قابل توجهی هم به دست نمی‌آورد.»



چه کسی گفته همه طلاب باید این علم اصول را بخوانند؟ مثل این می ماند که همه کشور را مشغول خواندن طب کنیم. بعد بگوییم این چه طب بیخودی هست که همه را گرفتار کرده؟ طب، مشکل ندارد. نباید برنامه ریزی به نحوی باشد که همه موظف به خواندن طب شوند. در علم اصول نیز همین است. در فقه هم همین است. باید تقسیم بندی و تقسیم کار معقولی در حوزه علمیه صورت بگیرد؛ کسانی که می خواهند برای اجتهاد نهایی کار کنند، یک جور علم اصول را کار کنند و آنهایی که می خواهند روایات را بخوانند، گونه دیگری اصول را فرا بگیرند

البته مدیریتش با خودشان است و من نباید دخالت کنم. ما از آن دسته رئیس هیئت امنایی هستیم که خیلی به دوستان تحمیلی نداریم؛ ولی به نظرم، این استدعاست و کار خوبی است. قبلا هم این درخواست را داشته ایم. اگرچه برخی معتقدند که هیچ کدام از امور علمی را نباید مجانی در اختیار کسی قرار داد؛ چون ارزشش کم می شود؛ ولی من این سیاست را قبول ندارم؛ به خصوص این نرم افزارها را. حالا ممکن است راجع به رساله عملیه مراجع بگویند که آنها را مجانی در اختیار کسی قرار ندهید؛ ولی این گونه نرم افزارها که برای کار کردن دوستان است، تا می شود و ممکن است، باید ما آن را برای استفاده محققان تسهیل کنیم.

برخی محققان به من گفتند که در کپی کردن بخشی از صفحات تحقیقشان، تا جایی می رود که از آن به بعد باید مبلغی را واریز کنند. من از ایشان خواهش می کنم که این هزینه ها را بردارید. حالا اگر کل نرم افزار را مجانی نمی دهید، در برداشت کامل از یک متن، مثلا تا یک بار، دو بار یا بیشتر، بگذارید دوستان از اینها استفاده کنند.

اما مطلب مهم تر دیگر، استعدایی است که از شما دارم. مرکز نور تا به حال کارهای بسیار فاخری تولید کرده و همین طور آنها را توسعه می دهد و تعمیم می بخشد که این، درست است و هم دعای همه پژوهشگران را به دنبال دارد و هم تحسین و مدح همه را که باید هم باشد؛ اما بنده از دوستان در هیئت امنا تقاضا کردم، به خصوص از ریاست مرکز که ان شاء الله به راه های جدید هم فکر کنند. حالا بحث هوش مصنوعی مطرح شده است؛ البته من که در این باره تخصصی ندارم؛ اما بعضی از دوستان ما، مثل آقای دکتر مینایی و آقایان دیگر گفتند که از آنها در اینجا هم می شود استفاده کرد؛ به اتکای فرمایش این دوستان، عرض می کنم این راه ها را هم باید رفت؛ هرچند ممکن است در این راه، آزمون و خطا هم وجود داشته باشد.

در مغرب‌زمین برخی معتقدند که کامپیوتر می‌تواند فکر کند؛ یعنی ممکن است در کامپیوتر، فهم و ادراک باشد؛ منتها این حرفشان، یک مبانی دارد که ما قبول نداریم؛ مثلاً می‌گویند آگاهی یا Consciousness، در واقع کارکرد هر مجموعه‌ای است و برای مثال، کاری که مغز انجام می‌دهد، خودش فهم است؛ نه چیز دیگری.

ما در مبانی حقیقت انسانی، این قبیل حرف‌ها را قبول نداریم و بنابراین، اینکه دستگاهی بتواند فکر کند، این اول کلام است و این ادعا، در خود مغرب‌زمین هم خیلی مخالف دارد؛ منتها منافاتی ندارد با اینکه مقدمات فکر را فراهم کنیم. کامپیوتر فکر نمی‌کند؛ ولی می‌تواند مقدمات فکر را فراهم نماید. هوش مصنوعی، شاید بتواند این کار را انجام دهد؛ یعنی تا حدّ زیاد، پژوهش و کارهای جدید ما را تسهیل کند.

البته فقط بحث هوش مصنوعی نیست؛ بلکه راه‌های جدید را هم ملاحظه کنید. یک زمانی چند مهندس و عالم دور هم جمع شدند و این مرکز را ایجاد کردند؛ ولی آن اول چه کسی فکر می‌کرد که در نهایت، کار به اینجا منتهی می‌شود؟ من یادم است که در ابتدای تأسیس اینجا، ما خودمان جزء جوان‌هایی بودیم که یک مقداری به بیرون حوزه هم آگاهی داشتیم. همان موقع ما که جوان‌های این حوزه بودیم، قبول نداشتیم و می‌گفتیم اینها چه کارهایی است؟ مثلاً استنباط و اجتهاد، ربطی به این حرف‌ها ندارد؛ درحالی که الآن واقعاً خودمان را برای استفاده از این نرم‌افزارها، نیازمند می‌بینیم. نمی‌گویم ثبوتاً بدون اینها نمی‌شود کار کرد؛ بلکه بحث تسهیل است. بحث این است که به وسیله این جست‌وجو، کاری که باید مثلاً در ده روز انجام گیرد، خب، در پنج دقیقه انجام می‌شود. این، برای پژوهشگر خیلی مهم است که ابزار را به چه صورت در اختیار داشته باشد. این، استدعای اخیر من از شما بود.

اینجا لازم است، تشکر خاصی از مقام معظم رهبری داشته باشیم؛ انصافاً زمانی که ما ضرورت این کار را تشخیص نمی‌دادیم، ایشان از این کار حمایت تام کردند و هنوز هم از ناحیه ایشان این حمایت‌ها ادامه دارد و باید بگوییم این فضایی که ایجاد شده، در اساسش وامدار ایشان است؛ به

باید برای تقسیم کار، چاره‌ای کنیم. نه فقط علم اصول که برای خود فقه هم باید تقسیم کار کنیم؛ یعنی برخی بزرگان، تخصصشان در عبادات، برخی در معاملات و یا بعضی در معاملات خاص مثل قضا باشد؛ به خصوص امروزه که ما کارهای زیاد داریم. فروع بسیار داریم که هنوز تنقیح نشده‌اند؛ به‌ویژه در زمان ما که نظام جمهوری اسلامی، نیازمند استنباطاتی است که در مقام اجرا، به درد بخورد و قابلیت اجرا داشته باشد؛ مثلاً در بحث قضا، فروع بسیار هست که هنوز حل نشده و اجرای آن، مشکل است

فکر ایشان و حمایت‌های ایشان، برای این ساختاری که هست.

دوباره تشکر کنم از همه دوستان؛ از جناب آقای دکتر شهریاری که انصافاً سال‌ها این مرکز را رهبری کردند. ایشان، هم فکر خوبی دارند و هم از فضل خوبی برخوردارند. همین طور از آقای بهرامی و آقای راشدی‌نیا که اهل دقت هستند و همه مدیرانی که من آنها را نمی‌شناسم و از دوستانی که در هیئت امنا هستند، مثل آقای آسیابانی که سال‌ها خدمتشان بودیم، آقای دکتر مینایی و دوستان دیگر، تشکر می‌کنم. اینها کمک کردند و عمر گذاشتند برای اینکه این مرکز به این مرحله برسد. من از همه این عزیزان تشکر خاص دارم؛ بلکه باید بگویم که از یکایک کسانی که در این مسیر قدم برداشته‌اند، تقدیر و تشکر می‌کنم.

ان شاءالله خداوند به همه این عزیزان توفیق دهد و در کمال، تعالی و در توسعه این مرکز استوارشان کند و در تولیدات بسیار فاخری که این مرکز دارد، موفق‌تر باشند.»

سخن پایانی

«در پایان عرایضم، خارج از این بحث‌ها، نکته‌ای می‌خواهم عرض کنم و آن، وضعیت امروز ماست که واقعاً باید بگویم جوامع اسلامی این روزها، حال خوشی ندارند. جنایاتی که رژیم صهیونیستی در غزه و فلسطین مرتکب می‌شود، باید گفت که در طول تاریخ، کم‌نظیر است.

درست است که ما جنگ جهانی دوم و قبل از آن نیز جنگ‌های بزرگ‌تری داشتیم، اما در یک ناحیه کوچکی، یک رژیم صهیونیستی، چنین جنایات هولناکی را مرتکب شود، این، خیلی مطلب قابل توجهی است و قلوب همه مسلمانان، این روزها جریحه‌دار است و نگران وضع برادران و خواهرانشان در غزه هستند و این همه انسان‌های بی‌گناه، در اثر جنایات دشمن کشته می‌شوند و دائماً مورد جنایت قرار می‌گیرند.

مطلب عجیب، این است که آمریکایی‌ها که حامی صددرصد جنایات اسرائیل و شریک جرم هستند، اینان از آن طرف دنیا، هزاران کیلومتر دورتر آمده‌اند و اینجا مستقر شده‌اند و این حملات را رهبری



اصل علم اصول در حوزه‌های علمیه، به عنوان مقدمه فقه است. این، کار اصلی علم اصول است و برای استنباط احکام کلی فقهی است؛ اما واقعش این است که علمای ما در طول زمان با همه مشکلات و کاستی‌هایی که در مقام عمل داشتند، کارهای فاخری تولید کرده‌اند. امروزه، بنده به طور قطع چون مطلع هستم، به شما عرض می‌کنم علم اصول ما، قابل عرضه به بیرون از حوزه و حتی به خارج از کشور است



می‌کنند؛ آن وقت حماس را متهم به گروه تروریستی بودن می‌کنند؛ این، واقعاً چیز عجیبی است؛ یعنی بی‌شرمی تا این حد می‌شود که کسانی را که فلسطین، موطن و مأوایشان است و به دفاع از زندگی، مسکن و مأوای خودشان برخاسته‌اند، تروریست حساب کنیم؟ و شمایی که از آن سوی دنیا با هزاران کیلومتر فاصله، به اینجا می‌آیید و انواع سلاح‌های کشتار جمعی را هم در اختیار رژیم صهیونیستی قرار می‌دهید، بمب‌های یک تنی بر سر مردم می‌ریزید و این کشتار عظیم را به راه انداخته‌اید، ادعا می‌کنید که ما برای صلح و دفاع اسرائیلی‌ها از خودشان آمده‌ایم؟ واقعاً بی‌شرمی هم حدی دارد!

حقوق بشر هم برای اینها، لقلقه لسان است. آنچه دارد انجام می‌گیرد، صددرصد جنایات جنگی است. در کنوانسیون‌های بین‌المللی، حملات به افراد غیرنظامی، حمله به زیرساخت‌ها، بیمارستان‌ها، مساجد و مراکز فرهنگی، همگی جزء جنایات جنگی است و متأسفانه، همه اینها واقع می‌شود و این دولت‌های غربی مدعی حقوق بشر، چشم‌هایشان را بر این فجایعی که در حال انجام است، بسته‌اند و این، حقوق بشرِ زمان ماست که این چنین مدافعانی دارد و باید بر آن تأسف خورد.

امیدواریم جهان اسلام، به صورت یکپارچه از برادران و خواهران فلسطینی دفاع کنند و البته همان‌طور که حضرت آقا فرمودند، در کل دنیا این جریان راه افتاده است؛ چون واقعاً فجایعی که صورت می‌گیرد، قلب هر انسان منصفی را به درد می‌آورد و توان تحمل دیدن این جنایات را ندارد.

اگر کشورهای اسلامی بخواهند با کمک همدیگر عملی انجام دهند و قدرت کافی هم دارند، ان‌شاءالله برای پیشگیری و جلوگیری از یک فاجعه عظیم‌تر، یک اقدام عملی و جدی انجام دهند. تا اینجا که فاجعه بوده؛ اما از این به بعد، دارد نسل‌کشی کلی صورت می‌گیرد. امیدواریم این آگاهی و بصیرت، در همه کشورها برای پیشگیری از چنین جنایات هولناکی، حاصل شود.

بنده مجدداً از همه عزیزان تشکر می‌کنم و از تصدیعی که انجام دادم، عذرخواهی می‌کنم. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ■